

قشقایی‌ها و جنگ جهانی دوم: رقابت‌های انگلستان و آلمان در جنوب ایران

«هرگز نباید به این قشقایی‌های لعنتی اعتماد کرد، آنها در جنگ جهانی اول و دوم ما را به ستوه آوردند».^(۱) این مطلب که از زبان برجسته‌ترین سیاستمدار انگلیسی سده بیستم، یعنی «وینستون چرچیل» جاری شده است، بیانگر عمق کینه و نفرت انگلیسی‌ها نسبت به قشقایی‌هاست و در برابر آن، فرمان «ناصرخان قشقایی» مبنی بر قرائت بیانیه رسمی شکست قشون انگلیس در «دانکرک» به سال ۱۹۴۲ بر سر آژامگاه پدرش «صولت الدوله» - که در زندان رضاشاه کشته شده بود - حکایت از نگرش متقابل قشقایی‌ها نسبت به انگلیسی‌ها دارد.^(۲) این دیدگاه قشقایی‌ها را بر آن داشته بود تا هم در جنگ جهانی اول و هم در جنگ جهانی دوم به حمایت از دشمن دولت بریتانیا، یعنی آلمان، اقدام کنند و سرانجام در زمان ملی شدن نفت، با تمام قدرت به حمایت از دکتر مصدق برخیزند.

در اوایل سده بیستم، ایل قشقایی یکی از قوی‌ترین و پرجمعیت‌ترین ایلات ایران محسوب می‌شد، از این رو، روشن شدن شرایطی که منجر به وجود آمدن چنین وضعیتی بین طرفین گردید، حائز اهمیت است. نخستین رویارویی انگلیسی‌ها و قشقایی‌ها به سال ۱۲۷۳ق. باز می‌گردد که همزمان با جنگ هرات و تهاجم نیروهای انگلیسی به جنوب ایران، قشقایی‌ها در برابر آنان از خود واکنش نشان دادند. در جنگی که بین انگلیسی‌ها و سپاهیان ایران در منطقه «ننیزک» در حوالی «بrazجان» درگرفت، قشقایی‌ها تلفات زیادی به انگلیسی‌ها وارد ساختند.^(۳)

پس از وقایع مزبور، ناصرالدین شاه، با تحریک انگلیسی‌ها، برای مقابله با قدرت روزافزون قشقایی‌ها، اتحادیه سیاسی ایلی جدیدی به نام «خمسه»^۴ به وجود آورد. هدف از به وجود آوردن اتحادیه مزبور، خنثی ساختن قدرت ایل قشقایی بود و ریاست اداری اتحادیه جدید به خاندان «قوام الملک»، رقیب دیرینه قشقایی‌ها، سپرده شد.^(۵) از آن پس روابط بین انگلیسی‌ها و قشقایی در اغلب اوقات خصمانه بود که سرانجام در جنگ جهانی اول به نقطه اوج خود رسید. در نتیجه «اسماعیل خان صولت الدوله» با اعلان جنگ به انگلیسی‌ها که بخش عمده‌ای از خاک ایران را به اشغال خود در آورده بودند، به طور مستقیم به رویارویی با آنان پرداخت.^(۶)

بدین‌سان در حالی که کینه و نفرت طرفین از یکدیگر شدت گرفت، قشقایی‌ها در سال‌های بعد، سیاست‌های خشن نظامی و ظالمانه رضاشاه در سرکوب و تبعید سران و از همه مهم‌تر، کشته شدن صولت الدوله در زندان را نتیجه انتقام‌گیری انگلیسی‌ها از خود دانستند. به‌ویژه اینکه رضاشاه برای از هم پاشیدن نظام سیاسی - اجتماعی ایل، طرح اسکان اجباری آنان را با شدت به اجرا درآورد و تلفات زیاد جانی و مالی بر آنان وارد ساخت.^(۷)

بازگشت سران قشقایی به فارس

پس از شروع جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین، فرزندان صولت‌الدوله یعنی «ناصرخان» و «خسروخان» که در تهران در تبعید بودند، با استفاده از شرایط موجود، به میان ایل قشقایی بازگشتند. ناصرخان خود را «ایلخان» خواند و با کوششی بی‌وقفه به جمع‌آوری نیروی نظامی پرداخت.^(۸) مردم ایل قشقایی که سال‌ها زیر فشار نظامیان رضاشاه قرار داشتند، به یک طغیان عمومی دست زده و با پیوستن به ناصرخان، نیروی نظامی فوق‌العاده‌ای را در کشور به وجود آوردند.

هدف اصلی ناصرخان از رویارویی با دولت، در وهله اول، احیای قدرت و نفوذ ایل

۴ خمسه، اتحادیه سیاسی ایلی بود که از پنج ایل مستقر در فارس که یک ایل عرب زبان (طوایف جباره و شیانی)، سه ایل ترک زبان (اینالو، نفر و بهارلو) و یک ایل فارس زبان (باصری) تشکیل شد و به ایلات خمسه (پنج‌گانه) معروف گشت.

قشقای‌ها در فارس و سپس مبارزه با اشغالگران انگلیسی بود که مانع تسلط قشقای‌ها بر فارس بودند.^(۹)

قشقای‌ها و آلمان

همزمان با رویارویی قشقای‌ها و انگلیسی‌ها در جنگ جهانی اول، روابطی بین قشقای‌ها و آلمان وجود داشت، اما این روابط تنها در سطح ارتباط برخی از مأموران آلمانی با آنان خلاصه می‌شد. در فاصله جنگ جهانی اول و دوم، روابط قشقای‌ها و آلمانی‌ها مستحکم‌تر گردید. دو تن از فرزندان صولت‌الدوله، یعنی «ملک منصورخان» و «محمدحسین‌خان» که برای تحصیل به اروپا رفته بودند و در دانشگاه آکسفورد انگلستان تحصیل می‌کردند، در آستانه جنگ روانه آلمان گردیدند و داوطلبانه وارد ارتش آلمان شدند. آلمانی‌ها که قصد داشتند از راه قفقاز، نیروهای خود را وارد ایران کنند، مصمم شدند برای جلب همکاری ایل قشقای‌ها، برادران قشقای‌ها را با خود همراه سازند. از این رو آنان را تحت آموزش نظامی ویژه قرار دادند.^(۱۰)

علاوه بر این، برادران قشقای‌ها در آلمان فعالیت سیاسی گسترده‌ای علیه رضاشاه و حامیان انگلیسی او انجام دادند. آنان با شاهرخ، پسر «اریاب کیخسرو»، از زرتشتیان ایرانی مقیم آلمان، در رادیو آلمان به زبان فارسی، برنامه‌هایی علیه رضاشاه و متفقین پخش می‌کردند.^(۱۱) همچنین با یورش هیتلر به خاک شوروی و شکست‌های نخستین شوروی از آلمان، همزمان با سایر ملیون ایران، احساسات آلمان‌دوستی قشقای‌ها افزون‌تر گردید. از این رو قشقای‌ها به نیرومندترین طرفدار آلمان در ایران مبدل شدند. به تصور قشقای‌ها، در صورت پیروزی آلمان بر متفقین، ناصرخان به عنوان مدعی اصلی تاج و تخت ایران مطرح می‌شد.^{*} به همین سبب آنان منتظر بودند که به محض ورود ارتش آلمان از راه قفقاز به ایران، ایرانیان ملی‌گرا را با خود همراه سازند تا با هم در برابر اشغالگران روس و انگلیس قیام کنند.

در ارتش ایران نیز عده‌ای از امیران ارتش، به خاطر تنفر از روس‌ها و انگلیسی‌ها، با

* در بین قشقای‌ها شایع شده بود که هیتلر، ناصرخان را به عنوان پادشاه ایران برگزیده است. مجله

آلمانی‌ها همکاری می‌کردند. این افراد قصد داشتند با ایجاد ارتباط با «فرانتس مایر»، مأمور اطلاعاتی آلمان در ایران، تشکیلاتی به نام «نهضت ملیون ایران» ایجاد نمایند. از این رو، انگلیسی‌ها نسبت به آنان، به‌ویژه «سرلشکر زاهدی»، فرمانده لشکر اصفهان و «سرهنگ صادق فروهر»، معاون وی، ظنین شده و آنان را زیر نظر گرفتند. (۱۲)

از سوی دیگر «شولتسه هولتوس»، یکی از مأموران سازمان ضدجاسوسی آلمان که به طور مخفیانه در تهران فعالیت می‌کرد، با کمک «حبیب‌الله نوبخت»، نماینده فسا در مجلس - که از هواداران آلمان بود - به میان قشقای‌ها عزیمت کرد. (۱۳) با وجود اینکه قشقای‌ها به خاطر جلوگیری از برانگیخته شدن حساسیت انگلیس، چندان موافق حضور مستقیم آلمانی‌ها در بین خود نبودند، از شولتسه (شولتس) استقبال کردند. (۱۴) از سوی دیگر، یک آلمانی دیگری به نام «کنستانتین یاکوب هومل» با کمک قشقای‌ها اقدام به احداث باند فرودگاهی در فراشبند* نمود. هدف از این اقدام، ارسال تجهیزات نظامی برای قشقای‌ها و فرود اضطراری جنگنده‌های آلمانی در این محل بود. (۱۵)

آلمانی‌ها از اقدامات مزبور دو هدف عمده داشتند: ۱. می‌خواستند نیروهای متفقین را در مناطق جنوبی ایران مشغول سازند تا مانع از حضور آنان در جبهه مشخص شوند؛ ۲. قصد داشتند با انهدام خطوط راه‌آهن سراسری، مانع از انتقال کالا و تجهیزات نظامی به شوروی شوند. (۱۶)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سیاست انگلیسی‌ها برای رویارویی با قشقای‌ها

با ورود آمریکا به جنگ، به سود متفقین، آنان برای حفاظت از میدان‌های نفتی جنوب و تضمین راه‌آهن سراسری ایران برای انتقال سریع کالا به شوروی، با انگلیسی‌ها همکاری کردند، (۱۷) اما انگلیسی‌ها که از قدرت‌یابی مجدد قشقای‌ها بیمناک بودند، دست به اقداماتی گسترده در برابر قشقای‌ها زدند. دلایل هراس انگلیسی‌ها از تجدید حیات سیاسی ایل قشقای‌ها را به خوبی می‌توان از لابه لای اسناد دولتی بریتانیا جستجو کرد. به طوری که در ۶ آوریل ۱۹۴۴،

* نام منطقه‌ای در جنوب فارس است.

سفارت بریتانیا در تهران در گزارشی به وزارت امور خارجه آن کشور، ضمن تأکید بر اهمیت ایران به عنوان یک راه ارتباطی برای ارسال تدارکات نظامی به روسیه شوروی، به لزوم فعال کردن محور ارتباطی بوشهر - شیراز - اصفهان تأکید نموده و در این زمینه به «ناتوانی کامل دولت ایران در انتظام بخش‌های وسیعی از جنوب کشور» اشاره کرده و نوشت که این امر دولت بریتانیا را به مداخله در این حوزه وادار ساخت. سفارت بریتانیا در توضیح مداخلات خود در امور داخلی ایران نوشت که این وضعیت «... ما را وادار ساخت که در یک مرحله، کاروان‌های محور بوشهر - شیراز - اصفهان را تحت پوشش نظامی قرار دهیم...» (۱۸).

انگلیسی‌ها برای عملی کردن طرح مزبور، ابتدا کوشیدند با قشقایی‌ها از در دوستی وارد شوند. لذا پیشنهاد کردند که در برابر تحویل شولتس، حاضرند مبلغ پنج میلیون تومان وجه نقد بپردازند؛ علاوه بر این، دولت ایران، با ضمانت بریتانیا، خودمختاری منطقه قشقایی را به رسمیت بشناسد. پیشنهاد مزبور به سرعت از طرف ناصرخان رد شد. (۱۹)

انگلیسی پس از ناکامی از حل مسألت آمیز مسئله، طی یک عملیات محرمانه، سرلشکر زاهدی را از اصفهان ربوده و به فلسطین تبعید کردند. (۲۰) توقیف وی برای آلمانی‌های حاضر در ایران و قشقایی‌ها ضربه بزرگی بود، زیرا با توجه به موقعیت سرلشکر زاهدی، حمایت وی از آنان، اهمیت ویژه‌ای داشت.

انگلیسی‌ها سپس قوام‌الملک، دشمن دیرینه قشقایی‌ها را فعال نمودند. آن‌گاه از راه فشار بر دولت ایران توانستند سپهبد شاه‌بختی، عنصر مورد اعتماد خود را به فرماندهی نیروی جنوب و استانداری فارس منصوب سازند. (۲۱) سپهبد شاه‌بختی ابتدا کوشید در برابر قشقایی‌ها شیوه مسألت‌آمیزی در پیش گیرد و با مذاکره، اختلافات را برطرف سازد. از این رو به ناصرخان پیشنهاد کرد که در برابر تحویل شولتس، مبلغ بیست میلیون تومان وجه نقد و مقادیری اسلحه دریافت دارد، اما همانند مذاکرات قبل، پیشنهاد مزبور نیز از جانب قشقایی‌ها پذیرفته نشد. این اقدام ناصرخان، اعلان جنگ به نیروهای دولتی محسوب می‌گردید. (۲۲)

انگلیسی‌ها برای جلوگیری از برانگیخته شدن احساسات ملی ایرانیان، نمی‌خواستند به صورت مستقیم با قشقایی‌ها درگیر شوند. از این رو تصمیم گرفتند به دست ارتش ایران، کار قشقایی‌ها را یکسره سازند. بدین سبب با دخالت مستقیم در امور فارس، علاوه بر قوام‌الملک،

چندتن از عوامل دیگر خویش را در فارس مستقر ساختند تا با وارد آوردن فشار دائمی بر شاهبختی، وی را وادار سازند طرح انگلیسی‌ها را عملی سازد. (۲۳)

عزم انگلیسی‌ها برای سرکوب قشقایی‌ها، اعتراض برخی از مقامات ایرانی را برانگیخت. محمد ساعد، وزیر امور خارجه وقت ایران، در یادداشتی محرمانه به سیدحسن تقی‌زاده، سفیر ایران در لندن، چنین نوشت: «انگلیسی‌ها نسبت به ایل قشقایی نظر خوبی ندارند، به طوری که دولت را وادار کرده‌اند قوایی برای سرکوبی آنها اعزام دارد». (۲۴) علاوه بر این، حسین علاء، وزیر دربار نیز در یادداشت دیگری به تقی‌زاده در این ارتباط نوشت: «آنها اسلحه و مهمات ما را گرفته، فشار می‌آورند با قشقایی بجنگید، در صورتی که به عقیده خیلی‌ها، ممکن بود قضیه به مسالمت حل و از خونریزی بین برادران جلوگیری شود». (۲۵)

آغاز حمله به قشقایی‌ها

انگلیسی‌ها برای نهایی کردن طرح خویش، تعدادی کامیون و مبالغ زیادی پول در اختیار شاهبختی قرار دادند. به قوام‌الملک هم چهار هزار قبضه اسلحه دادند تا با همراهی نیروهای خمسه، ارتش را همراهی کند. همچنین، یک تیپ موتوریزه انگلیسی هم برای پشتیبانی از آنان در جاده اصلی اصفهان - بوشهر مستقر گردید. (۲۶)

سپهبد شاهبختی در نظر داشت با ارسال پنج تیپ نیروی نظامی و استقرار در امتداد مسیر عبور قشقایی‌ها و با بمباران هوایی و جلوگیری از کوچ فصلی ایل قشقایی - که در حال حرکت از مناطق گرمسیری به سوی بیلاق خود در شمال فارس بودند - آنها را به مناطق سوزان و خشک ناحیه دشتی عقب براند. این اقدام سبب می‌شد در صورت تسلیم نشدن، مرگ و میر ناشی از گرما و کمبود آب، در انتظار قشقایی‌ها باشد. (۲۷)

قشقایی‌ها برای خنثی نمودن نقشه شاهبختی، از راه نواحی کوهستانی و راه‌های غیرمعمول، عازم بیلاق شدند. هنگامی که شاهبختی از اجرای طرح خویش ناکام ماند، به سرعت دست به کار شد و پیش از موعد مقرر در اردیبهشت ۱۳۲۲، دستور حمله به قشقایی‌ها را صادر کرد. (۲۸) در یک روز به طور همه‌جانبه از شهرهای بهبهان، فیروزآباد، جهرم، لار، شهرکرد، شیراز و کازرون، حملات نیروهای دولتی شروع شد. در این لشکرکشی، حدود سی هزار نفر نیروی

نظامی شرکت داشتند. (۲۹)

در نخستین رویارویی بین قشقای‌ها و ارتش که در «قلعه پریان قیر» و «کارزین» به وقوع پیوست، قشقای‌ها به فرماندهی خسروخان، شکست سختی به یک تیپ ارتش وارد ساختند. در نتیجه تعداد زیادی اسلحه و مهمات به دست قشقای‌ها افتاد. (۳۰) دومین نبرد در «گردنه موک» واقع در چهل کیلومتری شمال فیروزآباد، روی داد. در این جنگ، فرماندهی عملیات قشقای‌ها به عهده ناصرخان بود. نیروهای دولتی که از دو تیپ ارتش تشکیل شده و مجهز به توپخانه بودند، پس از دادن تلفات زیادی، شکست خوردند، اما در آستانه پیروزی کامل قشقای‌ها، نیروهای ایل خمسه، با فرماندهی «ابراهیم قوام الملک»، از سمت جنوب وارد شدند و نیروهای قشقای‌ها را در محاصره گرفتند. بدین سبب ناصرخان دستور عقب‌نشینی صادر کرد. نیروهای قشقای‌ها توانستند با کمترین تلفات از صحنه نبرد و حلقه محاصره خارج شوند. (۳۱)

پس از نبرد موک، قشقای‌ها نیروهای خود را به دو بخش عمده تقسیم کردند: قرار شد گروهی به فرماندهی ناصرخان، نخست به پادگان قلعه پریان حمله کرده، سپس به سوی جهرم رهسپار شود. گروه دیگر نیز به فرماندهی خسروخان به پادگان سمیرم حمله کنند. (۳۲) نیروهای ناصرخان در قلعه پریان با «سرهنگ سردار بهادر» و «سرهنگ سیف‌الله همت» روبرو شدند. در این نبرد، سرهنگ همت مجروح گردید، (۳۳) اما با وجود بمباران شدید قشقای‌ها به وسیله هواپیماهای ارتش، نیروهای دولتی در قلعه پریان به محاصره افتادند. این محاصره تا مدت‌ها ادامه یافت و به یک جنگ فرسایشی تبدیل گردید.

جنگ سمیرم

در حین درگیری‌های مناطق گرمسیری فارس، سپهبد شاه‌بختی به فرمانده لشکر اصفهان دستور داد تا یک ستون نظامی متشکل از هفتصد نفر به فرماندهی سرهنگ حسنعلی شقاقی به سمیرم اعزام نماید تا در صورت تحرکات احتمالی قشقای‌ها، آنان را سرکوب سازد. (۳۴) سرهنگ شقاقی که برخلاف میل خود به سمیرم اعزام شده بود، به محض ورود به منطقه، با مشاهده شدت نفرت و مخالفت مردم با نیروهای دولتی، وضعیت را به شیراز و اصفهان گزارش کرد و درخواست کرد که سپهبد شاه‌بختی اجازه دهد تا ستون اعزامی از سمیرم بازگردد، اما

تقاضای مزبور یا مخالفت شاه‌بختی روبه رو شد. بدین ترتیب سرهنگ شقاقی مجبور شد با قشقایی‌ها مقابله کند. (۳۵)

از سوی دیگر، خسروخان که مأمور رویارویی با نیروهای دولتی در سمیرم شده بود، به سرهنگ شقاقی پیغام داد که ضمن تسلیم پادگان، نیروهای خود را از منطقه - که حوزه بیلاقی قشقایی‌ها بود - خارج سازد، لیکن به دلیل مأموریتی که به سرهنگ شقاقی داده شده بود، وی با این درخواست مخالفت کرد. (۳۶) در نتیجه، جنگ بین طرفین اجتناب‌ناپذیر گردید.

در تیرماه ۱۳۲۲، نیروهای قشقایی با متحدان بویراحمدی خود، پادگان سمیرم را محاصره کردند. بدین ترتیب با حمله نیروهای ائتلاف، درگیری آغاز شد. این جنگ تا کشته شدن سرهنگ شقاقی در یازدهم تیر ۱۳۲۲ و تسلیم شدن پادگان ادامه یافت. * (۳۷) شکست نیروهای دولتی در جنگ سمیرم، ضربه جبران‌ناپذیری به روحیه ارتش وارد ساخت. (۳۸) علاوه بر این، واقعه مزبور، مخالفان جنگ را در مرکز نیز برانگیخت و به طور کلی، مشروعیت لشکرکشی به جنوب زیر سؤال رفت. سپهبد شاه‌بختی و قوام‌الملک به سرعت فارس را ترک کردند. همچنین سهیلی، نخست‌وزیر و «احمدی»، وزیر جنگ، از طرف حبیب‌الله نوبخت، نماینده فسا در مجلس، به خاطر لشکرکشی ارتش به منطقه قشقایی و کشتار مردم - که مغایر با اصل ۱۶ متمم قانون اساسی محسوب می‌شد - استیضاح شدند. (۳۹) اما به دلیل دستگیری نوبخت توسط انگلیسی‌ها، به اتهام هواداری از دولت آلمان، استیضاح مزبور به نتیجه‌ای نرسید. با این وجود، دولت ایران با عزل سپهبد شاه‌بختی، سرلشکر امان‌الله جهانبانی را به جای وی منصوب نمود. جهانبانی مأمور شد که از راه مذاکره با قشقایی‌ها، بحران پیش‌آمده را پایان دهد. (۴۰)

سرلشکر جهانبانی با حضور مرتضی‌قلی‌خان بختیاری و یک افسر انگلیسی به نام «کلنل رابرت» (C. Robert) توانست با مذاکره با ناصرخان و خسروخان، پیمان صلحی را به امضاء

* ابرلینگ می‌نویسد: سرهنگ شقاقی به خاطر سخت‌گیری بیش از اندازه نسبت به افراد پادگان و لجاجت در مقاومت بی‌فایده و نیز اعدام چند تن از سربازان متمرد، توسط دوستان سربازان اعدام شده، به قتل رسید. علاوه بر این، فرماندهان قشقایی حاضر در جنگ، متفق‌القول بودند که سرهنگ شقاقی به وسیله سلاح کمری و از نزدیک کشته شده است. مصاحبه با ملک منصور قشقایی، خرداد ۱۳۷۸.

معرفی سند ● قشقای‌ها و جنگ جهانی دوم: رقابت‌های انگلستان و آلمان در جنوب ایران / ۱۳۳

برساند. به موجب این توافقنامه، مقرر گردید قشقای‌ها خودمختاری خود را حفظ کنند، در عوض سلاح‌های غنیمتی ارتش از سوی قشقای‌ها بازگردانده شود و از ناآرامی ایلات جلوگیری به عمل آید. خسروخان به ریاست ایل منصوب گردید و به ناصرخان هم اجازه شد تا به عنوان نماینده فیروزآباد، به مجلس برود.^(۴۱)

تضعیف موقعیت آلمانی‌ها در ایران

همزمان با وقایع مزبور در ایران، دو برادر قشقای‌ها، ایلان، با یک سلسله وقایع روبه‌رو شدند که سرانجام وادار به ترک آلمان گردیدند. آلمانی‌ها می‌خواستند یکی از برادران قشقای‌ها را با عده‌ای آلمانی به ایران اعزام کنند، اما درست در لحظه آخر، از تصمیم خود منصرف شده، یکی از دوستان ایرانی آنان به نام هومان فرزند را با سه نفر مأمور آلمانی، روانه ایران کردند.^(۴۲) گروه مزبور توسط یک فروند هواپیمای نظامی، از راه خاک روسیه و با عبور شبانه از نقاط مرزی غرب ایران، خود را به فارس رسانده و در منطقه‌ای به نام «قره چمن» واقع در خاک قشقای، به وسیله چتر نجات، پایین آمدند.^(۴۳) آنان توانستند در منطقه «دزد کرد» به نیروهای خسروخان پیوندند.^(۴۴) با این وجود، آینده مناسبی در انتظار آنان نبود، زیرا از یک سو آلمان در آستانه شکست قرار گرفته بود^(۴۵) و از سوی دیگر، قشقای‌ها که پس از زد و خوردهای طولانی، با دولت ایران صلح کرده بودند، به راحتی حاضر نبودند امتیازات حاصل از توافقنامه مزبور را از دست دهند.

حادثه دیگری که موجب گردید موقعیت آلمانی‌ها در ایران به شدت تضعیف شود، حادثه دستگیری فرانتس مایر به وسیله انگلیسی‌ها در اصفهان بود. در نتیجه اقدام مزبور، پرونده‌های جاسوسی مایر در اختیار انگلیسی‌ها قرار گرفت. بدین ترتیب، شبکه جاسوسی و طرح‌های آلمانی‌ها در ایران مورد شناسایی قرار گرفت.^(۴۶) این پیشامد، موقعیت آلمانی‌های حاضر در خاک قشقای را به مخاطره افکند. از این رو ناصرخان، شولتس، هومل و سه آلمانی دیگر را به منطقه دورافتاده‌ای در بویراحمد، موسوم به «نقاره خانه» منتقل کرد.^(۴۷)

اجرای طرح مزبور از سوی ناصرخان، موجب نگرانی مأموران آلمانی گردید، از این رو آنان به وسیله ارتباط رادیویی با آلمان، از دولت متبوع خویش خواستند تا برادران قشقای را به

عنوان گروگان در آلمان توقیف کنند،^(۴۸) اما دیگر برای اجرای درخواست مزبور دیر شده بود، چون مدتی قبل، برادران قشقایی آلمان را به قصد ترکیه ترک کرده بودند.

توقیف برادران قشقایی به وسیله انگلیسی‌ها

ملک منصورخان و محمدحسین‌خان، دو تن از برادران قشقایی که در ارتش آلمان خدمت می‌کردند، نظر گروه نظامی - اطلاعاتی «اس.اس» آلمان را به خود جلب کردند. سازمان مزبور به آنان پیشنهاد کرد که در ازای ارتقاء درجه، با سازمان همکاری کنند. لیکن درخواست مزبور بی‌درنگ از سوی برادران قشقایی رد شد. سازمان اس.اس نیز برادران قشقایی را به اتهام واهی جاسوسی برای انگلستان، بازداشت کرد تا محاکمه و مجازات شوند، اما قشقایی‌ها با دخالت مقامات ارتش و وزیر جنگ آلمان - که شخصاً از هیتلر درخواست آزادی آنان را کرده بود - نجات یافتند.^(۴۹) با پیش آمد حادثه مزبور، برادران قشقایی دیگر اقامت در آلمان را جایز ندانسته و آلمان را به قصد ترکیه ترک کردند.^(۵۰)

برادران قشقایی در استانبول ترکیه اقامت گزیدند و از مسافران ایرانی، اطلاعاتی درباره برادران خود و وضعیت قشقایی‌ها در ایران کسب کردند. سپس تصمیم گرفتند به ایران باز گردند.^(۵۱) از این رو به وسیله کنسولگری ایران در استانبول و سفارت آنکارا از دولت ایران درخواست کردند تا مساعدت لازم برای ورود آنان به ایران فراهم شود.^(۵۲) محمد ساعد، وزیر امور خارجه، از وزارت جنگ و نخست‌وزیری کسب تکلیف نمود تا نظر خود را در این ارتباط صادر کنند.^(۵۳) نخست‌وزیر موافقت با ورود آنان را منوط به کسب نظر موافق انگلیسی‌ها دانست،^(۵۴) اما وزارت جنگ با صراحت با بازگشت آنان مخالفت کرد و چنین نوشت: «آمدن آنها فعلاً به ایران صلاح نیست و بهتر است در همان جا باشند».^(۵۵) با این وجود، وزارت امور خارجه در یادداشتی به سفارت انگلستان در تهران از سفارت مزبور درخواست کرد که هر نظری که در این باره دارند، وزارت امور خارجه را آگاه نمایند.^(۵۶) گویا سفارت انگلستان پاسخی به این درخواست نداد.

به دنبال موافقت نکردن دولت ایران با ورود برادران قشقایی و به علت حضور نیروهای روسی در مناطق شمال غربی ایران، آنان تصمیم گرفتند که از راه عراق وارد ایران شوند. از این رو

معرفی سند ● قشقایی‌ها و جنگ جهانی دوم: رقابت‌های انگلستان و آلمان در جنوب ایران / ۱۳۵

پس از دریافت روایت از کنسولگری عراق در استانبول، از راه سوریه عازم عراق شدند (۵۷)، اما درست زمانی که در حلب سوریه می‌خواستند قطار خود را عوض کنند، نیروهای انگلیسی آنها را بازداشت کرد و به قاهره فرستادند. افسران انگلیسی از آنان در ارتباط با حضورشان در آلمان و اقداماتشان علیه انگلیسی‌ها، بازپرسی کردند. (۵۸)

انگلیسی‌ها سپس با ناصرخان تماس گرفتند و ضمن اعلام خبر دستگیری برادران وی، پیشنهاد کردند که آنان را در برابر تحویل مأموران آلمانی، آزاد کنند. همچنین تهدید کردند که در صورت عدم موافقت با پیشنهاد مزبور، برادران قشقایی به اتهام جاسوسی علیه انگلستان، اعدام خواهند شد (۵۹) و همچنین قشقایی‌ها را به صورت مستقیم مورد حمله قرار خواهند داد. (۶۰) قشقایی‌ها بر سر دو راهی سختی قرار گرفته بودند، لذا برخلاف میل خود، برای نجات جان برادران قشقایی، حاضر شدند آلمانی‌ها را به انگلیسی‌ها تحویل دهند. انگلیسی‌ها هم برادران قشقایی را با هواپیما به تهران آورده، در فیروزآباد، محل استقرار ناصرخان. به قشقایی‌ها تحویل دادند. (۶۱)

با توافق پیش‌آمده، اختلاف‌های انگلیسی‌ها و قشقایی‌ها تا مدتی برطرف گردید. آنان توانستند با بهره‌گیری از موقعیت مزبور، تا مدت‌ها از آزادی عمل در مناطق خویش برخوردار شوند، اما با وقوع نهضت ملی شدن نفت و آغاز مبارزات دکتر مصدق، قشقایی‌ها با حمایت همه‌جانبه از وی، مجدداً رویاروی انگلیسی‌ها قرار گرفتند. این بار پس از سقوط دولت ملی دکتر مصدق، انسجام سیاسی ایل قشقایی از هم فروپاشید.

سند شماره ۱:

شماره ۲۵۵
تاریخ ۱۳۲۲/۵/۲۸
محرمانه است
[نشان شیر و خورشید]
سفارت شاهنشاهی ایران

وزارت امور خارجه

روزنامه Nya Dagligt Allehanda چاپ استکهلم مورخه ۲۸ ژوئن ۱۹۴۳ راجع به ایران، خبری به این مضمون انتشار داده است: آنکارا - دوشنبه - اسکاندیناویسکا تلگرام بورو. به موجب اخباری که از تهران رسیده است، در ایران، هیجانات منجر به جنگ داخلی شده [است] و دسته [ای] از شورشیان به ریاست خوانین، در چند نقطه بین شیراز و بندر شاهپور، خط آهن سرتاسری را خراب کرده اند، به قسمی که ارسال مواد جنگی و خواربار از راه خلیج فارس به روسیه معوق مانده است و چند شهر از جمله فیروزآباد را اشغال کرده اند. باعث عمده این هیجانات، قسمتی از عشایری است که سابقاً تحت تسلط و انقیاد رضاشاه پهلوی بوده و حالا از کناره گیری ایشان استفاده کرده و به طغیان پرداخته اند. قسمت دیگر اغتشاشات برای نفرت اهالی از قشون اشغال کننده می باشد. در این اواخر، مقدار زیادی از کامیون های حامل مواد جنگی و خواربار را که برای روسیه حمل شده بوده است و حتی پست هایی که در راه برای برقراری امنیت گذارده شده [اند]، به وسیله شورشیان کشته و غارت شده اند. نظر به این پیش آمد، بر عده ساخلوی اطراف نواحی نفت خیز جهت جلوگیری از خراب کاری افزوده شده است. موقعی که در جنوب ایران این اغتشاشات برپا است، در تهران دسایسی در کار است که اعلیحضرت محمدرضا شاه را از سلطنت خلع و به دوره سلطنت خاندان پهلوی خاتمه دهند و ضمناً تقاضا دارند که حکومت مرکزیت پیدا کند. دولت کاملاً مصمم است به وسایل ممکنه، شورشیان را آرام کند و برای این منظور، آقای سرلشکر شاه بختی، مأمور سرکوبی اشرار شده است. وزیر مختار [امضاء]

[حاشیه سند] اداره سوم سیاسی ملاحظه نمایند. ۱۳۲۲/۷/۲۵

[سال ۱۳۲۲ ش، کارتن ۳۴، پرونده ۷]



نظارت شاهنشاهی ایران



بحریمات

وزارت امور خارجه

شماره ۹۵۵

تاریخ ۱۳۳۷/۱۲/۲۸

پوسته

روزنامه Nya Dagbladet Allsveida چاپ استکهلم مورخه ۲۸ ژوئن ۱۹۴۲ راجع

با ایران خبری بدین مضمون انتشار داده است .

آنکارا - وینتیه - اسکاندیناوسکا دلارام بیورو .

بموجب اخباری که از تبران رسیده است در ایران همچنان منجر به جنگ داخلی شده و دسته از شورشیان بریاست داویس در چند نقطه بین شیراز و بندر شاهپور خط آهن سرتاسری ایران را خراب کرده اند بعضی که ارسال مراد پیشکی و خواربا را از راه خلیج فارس بر وسیله مری با توه است و چند نفر از جمله فیروز آباد را اشغال کرده اند با است عده این همچنان قسمتی از غنای بری است که سابقاً تحت تسلط و اختیار در نامتاه پهلوی بوده و حالا از تنگنای گزیری ایمن استفاده کرده و لغتبان برداشته اند . هست دیگر اختلافات بری نسبت اهل ای از دشمن اشغال کننده می باشد . در این اواخر مقروضان از گامیونهای حامل مواد پستی و خواربار را که برای روسیه حمل شده بوده است و حتی سببش که در راه برای برقراری امنیت گزاره شده بوسیله شورشیان کشته و غارت شده اند . نظریاتین پیشی آمد بر عده ساختن ابروف نواحی ننت خورجیت جلوگیری از خراب کاری افزوده شده است . موقوف که در جنوب ایران این اختلافات بری است در تبران دسایمی در کار است که اعلامی حضرت محمدرضا شاه را از سلطنت خارج و بدو سادالت خاندان پهلوی خاتمه دهند و ضمناً تقاضای دارن و تکلیفوت مرکزیت بجا آید . دولت کاملاً مصمم است بوسایل ممکنه شورشیان را آرام کند و بر این ایشمنشور آقای سرلشکر شاه بعضی ما میسر کوبی اشرار شده است .

رتال جامع علوم انسانی

وزیر مختار

[Handwritten signature]

وزیر مختار
۱۳۳۷/۱۲/۲۸

درود بر فرزند زنده باد
شماره ۵۰۹۰۵
تاریخ ۱۳۳۷/۱۲/۲۸

۱۳۳۷/۱۲/۲۸
۵۵
۱۳۳۷/۱۲/۲۸

۲۱۰۲۰
۲۲۰۷۸۲۸

سند شماره ۲:

ترجمه از روزنامه دیلی نیوز [نشان شیر و خورشید]

تاریخ اصل: ۲۳ اوت ۱۹۴۳ وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

۱۸۰۰۰ لیبه جایزه برای دستگیری اشخاص مخرب آثار تمدن


دولت ایران دیروز اعلام کرد که هر کس هر آلمانی را که بدون اجازه دولت در مملکت اقامت نموده است، دستگیر نماید، مبلغ ۱۸۰۰۰ لیبه جایزه اعطاء خواهد نمود. عین همین اقدام را ممکن است مأمورین انگلیس به عمل آورند.

از قرار معلوم، چند نفر آلمانی در جنوب ایران، عشایر را تحریک به اغتشاش بر علیه دولت می نمایند. عشیره قشقای به تحریک آلمانها و راهنمایی رئیس خودشان، ناصرخان، علناً با دولت ایران داخل کشمکش شده اند. اخیراً یکی از برادران ناصرخان به قصد حل دوستانه اختلاف با دولت ایران، به تهران رفته است.

[سال ۱۳۲۲ ش، کارتن ۳۴، پرونده ۷]

[حاشیه بالای سند] ملاحظه شد. ۲۵/۱۰/۱۳۲۲ [۱۳]

معرفی سند ● تشقایی ها و جنگ جهانی دوم: رقابت های انگلستان و آلمان در جنوب ایران / ۱۳۹


 وزارت امور خارجه
 اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

تاریخ ارسال ۲۴ اکتبر ۱۹۴۲
 شماره پرونده ۱۰۰۰

۱۸۰۰ لی بازره برای دستگیر کردن اشخاص مترب آثار متون
 دولت ایران در زیر اعلام کرد که هر کسی که اطلاعاتی در مورد دولت در سلسله مراتب
 نمود دست و پاگیر نماید مبلغ ۱۸۰۰۰ لی جایزه اعطاء خواهد نمود .
 این چنین اقدام را ممکن است نامیرین و وطنی بعد آورند .
 در زیر اعلام چند نفر آلمان در جنوب ایران عشار را متربک باعث تشویش دولت فرانسه
 و نیز تشقایی متربک آلمان و فرانسه را متربک و نیز تشقایی متربک آلمان و فرانسه
 در سلسله مراتب دولت ایران و نیز تشقایی متربک آلمان و فرانسه
 در سلسله مراتب دولت ایران و نیز تشقایی متربک آلمان و فرانسه

Iran 3

Romeike Curlice Ltd

Telephone CENTRAL 2701 (3 Lines)  35 Shoe Lane, LONDON, E.C.4

EXTRACT FROM
DAILY MIRROR
 Geraldine Hse, Rolls Bldgs, Fetter Lane, E.C.4.

Date _____

£1,800 ON HEADS OF IRAN HUNS

THE Iranian (Persian) Government yesterday offered a reward of £1,800 for the arrest of any German found living in the country without permission.

Similar action may be taken by the British authorities.

It is known that a few Germans in the south have been active among the tribesmen, stirring them up to open revolt against the Government.

Urged on by the Germans and led by their chief, Naser Khan, the Qizilbash tribe have held the Government in open defiance.

Recently a brother of Naser Khan went to Tehran to discuss with the Government the possibility of reaching a friendly settlement.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۳:

[انسان شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

ترجمه روزنامه یومیه اشتار چاپ لندن

تاریخ اصل: ۲۰ اوت ۱۹۴۳

انهدام یک کاروان مهمات به دست قطع الطريق

به موجب اخبار واصله از تهران، به وسیله [ناخوانا] یک دسته عشایر موحش، بر یک کاروان حامل اسنحه و مهمات برای مصرف پادگان سمیرم، شبیخون زده و به کلی آن را منهدم ساخته‌اند. عشایر نامبرده پس از آنکه تفنگ و مهمات به دست آوردند، به پادگان سمیرم حمله برده و پس از جنگی که سه روز به طول انجامید، یک عده افسر و یک هزار تن از افراد پادگان را به قتل رساندند. سرتیپ شاه‌بختی که مأمور عملیات بر علیه یاغیان بود، برای مشورت به تهران احضار شده است. بویر احمدی‌ها، یعنی همین افراد وحشت‌انگیز، افراد یک ایل لر می‌باشند که به عدم اطاعت از قوانین و شجاعت مشهور بوده و مقصودشان از حمله به آن پادگان، تحصیل اسلحه برای دستبرد به همسایگان و کاروان بوده است. در نتیجه این اغتشاشات، جاده بوشهر - شیراز - اصفهان ناامن شده و به اروپاییان دستور داده شده است که برای عبور از این جاده، باید کاروان تشکیل دهند. نیروی ایران در عملیات خود برای دفع عشایر، به واسطه بدی خطوط ارتباطی و قلت سوار نظام که چندین هزار رأس اسب آنها در نتیجه قحطی تلف شده‌اند، دچار زحمت شده است. در هر حال، یک عده نیرو برای دفع اغتشاشات و استقرار نظم و امنیت، به جنوب اعزام شده‌اند.

[حاشیه سند] در اداره اطلاعات ملاحظه شد. به اداره سوم سیاسی فرستاده شود. ۱۳/۲۲/۱۰/۷

[حاشیه سند] در اداره سوم سیاسی ملاحظه شد. ۱۳/۲۲/۱۰/۸

[۸-۳۴-۱۳۲۲ ش]



وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

تاریخ ترجمه

مترجم

ترجمه از نسخه روسی سند شماره ۱۶۴۳

تاریخ اصل سند ۱۹۴۳

شماره سند ۴۶۵ تاریخ ۱۹۴۳	دستور کار ایران تحت سرک قائم مقام نظری
در خصوص همکاری و همکاری در امور اطلاعات و مطبوعات و ترجمه در جنوب ایران	
در خصوص همکاری و همکاری در امور اطلاعات و مطبوعات و ترجمه در جنوب ایران	
در خصوص همکاری و همکاری در امور اطلاعات و مطبوعات و ترجمه در جنوب ایران	
در خصوص همکاری و همکاری در امور اطلاعات و مطبوعات و ترجمه در جنوب ایران	
در خصوص همکاری و همکاری در امور اطلاعات و مطبوعات و ترجمه در جنوب ایران	
در خصوص همکاری و همکاری در امور اطلاعات و مطبوعات و ترجمه در جنوب ایران	
در خصوص همکاری و همکاری در امور اطلاعات و مطبوعات و ترجمه در جنوب ایران	
در خصوص همکاری و همکاری در امور اطلاعات و مطبوعات و ترجمه در جنوب ایران	

سند شماره ۴:

[نشان شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

اداره اطلاعات و مطبوعات و ترجمه

تاریخ ترجمه: ۱۳۲۲/۱۰/۷

ترجمه روزنامه یومیه دیلی تلگراف - چاپ لندن

تاریخ اصل: ۲۴ اوت ۱۹۴۳

محور در ایران تحریک به اغتشاش می نماید

جاسوسان و فرودگاه های پنهانی

به قلم (مارسلند گاندر)، مخبر مخصوص خودمان

قاهره - در ضمن عملیات نظامی اخیر که منتهی به شکست عشایر یاغی از طرف نیروی ایران، تحت فرماندهی سرتیپ شاه بختی گردید، در بیابان بی آب و علف واقع در جنوب ایران، دو قطعه زمین کشف گردید که عمال محور در آنجا دو فرودگاه مخفی تهیه کرده بودند.

حالا که دولت ایران برای کشف جاسوسان آلمانی جایزه تعیین کرده است، می توان این خبر را اشاعت^{*} داده و یک نمونه مجاهدات و مساعی محور است که هنوز در ایجاد اغتشاش در خاورمیانه معمول می دارد.

این جنگ کوچک را عمال آلمانی ایجاد کرده اند، بدین معنی که عشیره گله چران قشقایی را به اغتشاش تحریک نمودند.

در اوایل، عده سواران این عشیره یاغی که هم تفنگ و بعضی هم توپ مسلسل داشتند، بالغ بر بیست هزار تن می شد که به پیشوایی ناصر قشقایی، پیوسته بر دستبردهایی که می زدند، افزوده می شد. تا اینکه در نتیجه تشدید تهدید آنها، دولت ایران برای حفظ معادن نفت و خطوط ارتباطی که هر نوع کالایی بدان وسیله به روسیه ارسال می شود، ناچار به مبادرت اقدامات

معرفی سند ● قشقای‌ها و جنگ جهانی دوم: رقابت‌های انگلستان و آلمان در جنوب ایران / ۱۴۳

شدیده گشت. نیروی تحت فرماندهی سرتیپ شاه‌بختی پس از چندین مصادمه شدید با آنها که در پنج ستون عشایر می‌جنگیدند، سواران ایلاتی وحشی غیرمنظم را منهدم ساخته و پیشوایشان در کوه و بیابان‌ها متواری گردید و حال آنکه نیروی ایران با نهایت جدیت به جستجوی او اشتغال دارد.

[حاشیه سند] در اداره اطلاعات ملاحظه شد. به اداره سوم سیاسی فرستاده شود. ۱۳۲۲/۱۰/۷

[سال ۱۳۲۲ ش، کارتن ۳۴، پرونده ۸]



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

معرفی سند ● قشقای‌ها و جنگ جهانی دوم: رقابت‌های انگلستان و آلمان در جنوب ایران / ۱۴۵

سند شماره ۵:

[نشان شیر و خورشید]

سفارت شاهنشاهی ایران

شماره ۲۵۷

محرمانه است

وزارت امور خارجه

تاریخ ۱۳۲۲/۵/۲۸

روزنامه Nya Dagligt Allehanda چاپ استکهلم مورخه ۶ ژوئیه ۱۹۴۳ راجع به ایران چنین

می‌نویسد:

آنکارا - به موجب اخبار واصله از تهران، اقلاً دو هزار نفر از عشایر قشقای که بر ضد دولت طغیان کرده بودند، به وسیله بمب‌های انگلیسی تلف شده‌اند. هواپیماهای انگلیسی، محل اقامت چادرنشینان ایل نامبرده را با بمب و مسلسل مورد حمله قرار دادند. یک کاروان حمل و نقل مرکب از ۲۰۰ کامیون در راه بین قزوین و تهران مورد حمله آشوب‌طلبان قرار گرفته و در این مصادمه، هشت تن مهندس انگلیسی و دو مستحفظ روسی تلف شده‌اند. وزیر مختار [امضاء]

[حاشیه سند] اداره سوم سیاسی اقدام نمایند.

[سال ۱۳۲۲ ش، کارتن ۳۴، پرونده ۷]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

شماره ۲۵۷

تاریخ ۲۸ / ۵ / ۱۳۳۲

پست



مخارت شاهنشاهی ایران

وزارت امور خارجه

سازمان
مخابرات

روزنامه Nya Dagligt Allehanda چاپ استکهلم

مورخه ۶ ژوئیه ۱۹۴۳ راجع با ایران چنین می نویسد :

آنکارا - بموجب اخبار واصله از تهران اقلاد دو هزار نفر از عتایر قشقایی که بر ضد دولت طغیان کرده بودند بوسیله بمبهای انگلیسی تلف شده اند . هواپیماهای انگلیسی محل اقامت چادر نشینان این نامبرده را با بمب و مسلسل مورد حمله قرار دادند . یک کاروان حمل و نقل مرکب از ۲۰۰ کامیون در راه بین قزوین و تهران مورد حمله آشوب طلبان قرار گرفته و در این مصادمه مت تن مهندس انگلیسی و دو مستحفظ روسی تلف شده اند

وزیر مختار

[Handwritten signature]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامعه علوم انسانی

[Handwritten signature]

شماره ۲۰۹۳۸
تاریخ ۲۲ / ۷ / ۲۷

شماره ۲۰۹۳۸
تاریخ ۲۲ / ۷ / ۲۷

معرفی سند ● قشقایی‌ها و جنگ جهانی دوم: رقابت‌های انگلستان و آلمان در جنوب ایران / ۱۴۷

سند شماره ۶:

[نشان شیر و خورشید]

وزارت امور خارجه

شماره خصوصی: ۶۷۴۱

اداره سوم سیاسی

تاریخ: ۱۳۲۲/۱۰/۱۸ [۱۳]

تذکاریه

آقایان ملک منصور و محمدحسین قشقایی که مدت چند سال در اروپا مشغول تحصیل بوده‌اند، اخیراً از آلمان وارد اسلامبول شده و از سفارت کبرای شاهنشاهی در آنکارا، تقاضا نموده‌اند وسایل آسایش و مراجعت آنها به ایران فراهم گردد تا بتوانند با اطمینان خاطر در میهن خود زندگی کنند. خواهشمند است از هر نظری که در این باب دارند، وزارت امور خارجه را آگاه فرمایند. [امضاء]

[حاشیه سند] اداره گذرنامه و تابعیت ملاحظه فرمایند. [امضاء] ۱۳۲۲/۱۰/۱۹ [۱۳]

[۸-۳۴-۱۳۲۲ ش]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

معرفی سند ● قشقایی‌ها و جنگ جهانی دوم: رقابت‌های انگلستان و آلمان در جنوب ایران / ۱۴۹

سند شماره ۷:

[نشان شیر و خورشید]

نخست وزیر

به تاریخ ۱۳۲۲/۱۰/۱۳

شماره ۱۹۵۳۴

جناب آقای وزیر امور خارجه!

در جواب نامه شماره ۵۲۹۴/۲۴۹۰۳ راجع به تلگراف آقایان ملک منصور و محمد حسین قشقایی زحمت می‌دهد:

به طوری که استحضار دارند، موضوع مراجعت آنها به ایران، اشکال خارجی دارد. بدو باید این قضیه حل شود تا بتوان تصمیم مقتضی اتخاذ کرد و رفع اشکال خارجی‌ها هم منوط به اقدامات وزارت خارجه است. نخست وزیر [امضاء]

[حاشیه سند] تذکاریه سفارت انگلیس تهیه شود که در موقع ملاقات داده شود.

[۱۳۲۲/۱۰/۱۴]

[سال ۱۳۲۲ ش، کارتن ۳۴، پرونده ۸]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بتاریخ ۱۳۴۴/۱۰/۱۴
شماره ۱۹۵۴

(نمونه ۷)



مختصت وزیر

جناب آقای وزیر امور خارجه

در جواب نامه شماره ۲۹۴/۲۴۹۰۲۰۲ راجع به تکرار

آقایان ملک منصور و محمد حسین قاسمی ز خدمت میگذرد .
بطوریکه استحضار دارند موضوع مراجعت آنها بایران اشکال
خارجی ندارد .
تعمیم مقتضی اتخاذ کرد و رفع اشکال خارجیها هم منوط با اقدامات
وزارت خارجه است .

نخستین وزیر

پروفسور علوم انسانی و مطابقت
رئیس هیات مدیران
دانشگاه تهران
۱۴

دانشگاه تهران
۱۳۱۷/۱۲

دردود دفتر محرمات
شماره ۱۷
تاریخ ۱۳۱۷/۱۲/۲۳

دردود دفتر امور انجمن علمی
شماره ۱۷
تاریخ ۱۳۱۷/۱۲/۲۳

معرفی سند ● قشقای‌ها و جنگ جهانی دوم: رقابت‌های انگلستان و آلمان در جنوب ایران / ۱۵۱

سند شماره ۸:

[نشان شیر و خورشید]

وزارت جنگ

ستاد ارتش

محرمانه

شماره $\frac{۱۴۴۵۶}{۴۸۵۹۵}$
مورخه ۱۳۲۲/۹/۲۶

وزارت امور خارجه

پاسخ شماره ۴۶۱۲/۲۲۵۲۱ مورخه ۱۳۲۲/۸/۳۰، راجع به تقاضای آقایان ملک منصور و محمدحسین قشقای در بازگشت به ایران، اشعار می‌دارد:
به عقیده وزارت جنگ، آمدن آنها فعلاً به ایران صلاح نیست و بهتر است در همان جا بمانند. از طرف وزیر جنگ [امضاء] سرتیپ انصاری

[حاشیه سند] آقا اعتصام! در این باب به نخست‌وزیری هم نوشته شده است. پس از وصول پاسخ، مراتب به سرکنسولگری استانبول اعلام گردد. [امضاء] ۱۳۲۲/۹/۲۸
[سال ۱۳۲۲ ش، کارتن ۳۴، پرونده ۸]

پی‌نوشت‌ها

۱. کرومیت روزولت، کودتا در کودتا، ترجمه علی اسلامی، تهران: چاپخش، ۱۳۵۹، ص ۷۰-۱.
 ۲. پی‌یر ابرلینگ، «سیاست قبیله‌ای انگلستان در جنوب ایران»، ترجمه کاوه بیات، ماهنامه نامه نور، آذر ۱۳۵۸، ش ۵ و ۶، ص ۶۶-۷.
 ۳. نک: میرزا حسین حسینی فسایی، تاریخ فارسنامه ناصری، تهران: سنایی، ۱۳۴۰، ج ۱، ص ۳۱۷-۸؛ میرزا جعفر خورموجی (حقایق نگار)، حقایق الاخبار ناصری، به کوشش حسین خدیوچم، تهران: نشر نی، ۱۳۱۳، ص ۱۹۷-۲۰۲؛ لیوتنان بالارد، «جنگ ایران و انگلیس»، ۱۲۷۲-۷۳، ترجمه کاوه بیات، مجموعه فرهنگ ایران زمین، ج ۲۷، ۱۳۶۶، ص ۲۹۰-۲.
 ۴. فردریک بارث، ایل باصری، ترجمه کاظم ودیعی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۳، ص ۱۴۲؛ آن لمبتون، «تاریخ ایلات ایران»، ترجمه علی تبریزی، مجموعه کتاب آگاه ایلات و عشایر، تهران: آگاه، ۱۳۶۲، ص ۲۲۳.
 ۵. کاوه بیات، شورش عشایری فارس، تهران: نشر نقره، ۱۳۶۵، ص ۲۴.
 ۶. نک: ناصر ایرجی، ایل قشقایی در جنگ جهانی اول، تهران: شیرازه، ۱۳۷۸؛ غلامرضا میرزایی دره سوری، قشقایی‌ها و مبارزات مردم جنوب: تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
 ۷. نک: جامی، گذشته چراغ راه آینده است، تهران: فتنوس، چاپ پنجم، ۱۳۶۷.
- Pierre Oberling, *The Qashqai Nomad of Fars*, Mouton, the Hague-Paris, 1974, p.165 and Lois Beck, *The Qashqai of Iran*, London, Yale University Press, 1986, p.13.
8. Oberling, *op.cit.*, p.169.
 9. *Ibid.*
 ۱۰. مصاحبه با ملک منصور قشقایی، خرداد ۱۳۷۸.
 ۱۱. اسناد وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۲ش، کارتن ۳۴، پرونده شماره ۷، نامه سرکنسولگری استانبول به سفارت ایران در آنکارا، ۱۳۲۱/۹/۲۵.
 ۱۲. ایرج ذوقی، ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم، تهران: نشر پازنگ، ۱۳۶۷، ص ۷۵.
 ۱۳. نک: شولتسه هولتوس، سپیده دم در ایران: ترجمه مهرداد اهری، تهران: نشر نو، ۱۳۶۶.

Beck, *op.cit.*, p.195.

۱۴. خسرو قشقایی، «بگویند تا بگویم»، نشریه باختر امروز (دوره دوم) س ۱، ش ۲۳، دوشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۴۰، (چاپ مونیخ)، ص ۲.

۱۵. شولتسه هولتوس، پیشین، ص ۱۸۱-۵.

16. Oberling, *op.cit.*, p.171.

17. *Ibid.*: Beck. *op.cit.*, p.146.

18. *Iran Political Diaries 1881-1965*, vol.12, Archive Edition University of London, 1997, p.192.

۱۹. شولتسه هولتوس، پیشین، ص ۱۶۷-۸.

20. Fitzroy Maclean. *Eastern Approaches*. London, Panbooks Ltd. 1956. p.175.

21. Oberling, *op.cit.*, p.171.

Oberling, *op.cit.*, p.175.

۲۲. شولتسه هولتوس، پیشین، ص ۲۲۱-۲.

۲۳. نصرالد سیف پور فاطمی، *گزند روزگار*، تهران: شیرازه، ۱۳۷۹، ص ۴۴۲-۳.

۲۴. *نامه‌های لندن از دوران سفارت تقی زاده در انگلستان*، به کوشش ایرج افشار، تهران: فرزانه روز، ۱۳۷۵، ص ۲۶۹.

۲۵. پیشین، ص ۲۷۴.

۲۶. خسرو قشقایی، پیشین، ص ۲.

۲۷. شولتسه هولتوس، پیشین، ص ۲۱۸.

۲۸. پیشین، ص ۲۲۲-۳؛ حسین کوهی کرمانی، *از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه آذربایجان*، تهران: چاپخانه مظاهری، ۱۳۲۹، ج ۲، ص ۴۲۱-۲.

۲۹. خسرو قشقایی، پیشین، ص ۲.

Oberling, *op.cit.*, p.176.

۳۰. شولتسه هولتوس، پیشین، ص ۲۲۴.

۳۱. شولتسه هولتوس، پیشین، ص ۲۲۵-۳۰.

32. Beck, *op.cit.*, p.146; Oberling, *op.cit.*, p.177.

۳۳. حسین کوهی کرمانی، پیشین، ص ۴۸۱-۲.

معرفی سند ● قشقای‌ها و جنگ جهانی دوم: رقابت‌های انگلستان و آلمان در جنوب ایران / ۱۵۵

۳۴. پیشین، ص ۴۸۹.
۳۵. صرالله سیف پور فاطمی، پیشین، ص ۳۵۶.
۳۶. حسین کوهی کرمانی، پیشین، ص ۴۸۸.
۳۷. مهدی‌خان شفق‌ی، *خاطرات ممتحن‌الدوله شفق‌ی*، به کوشش حسینقلی‌خان شفق‌ی، تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۶۱-۲؛
38. Reza Jafari, *Center-Periphery Relations in Iran: the Case of Rebellion in 1946*, Waldham College University of Oxford, p.155.
۳۹. حسین کوهی کرمانی، پیشین، ص ۴۴۲-۳.
40. R.Bullard to Eden, 15 September 1943, *FO* 371/ 34-35117.
41. *Ibid.*
۴۲. مصاحبه با ملک‌منصور قشقای، خرداد ۱۳۷۸ و محمدحسین قشقای، شهریور ۱۳۸۱.
۴۳. مصاحبه با ملک‌منصور قشقای، خرداد ۱۳۷۸.
۴۴. شولنسه هولتوس، پیشین، ص ۲۴۹؛ کرومیت روزولت، پیشین، ص ۷۰-۷۱.
45. Oberling, *op.cit.*, p.180-1.
۴۶. ایرج ذوقی، پیشین، ص ۸۲-۴.
۴۷. نک: سیدمصطفی تقوی مقدم، *تاریخ سیاسی کهگیلویه*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷.
۴۸. شولنسه هولتوس، پیشین، ص ۲۸۵.
۴۹. مصاحبه با محمدحسین قشقای، شهریور ۱۳۸۱.
۵۰. پیشین.
۵۱. مصاحبه با ملک‌منصور قشقای، خرداد ۱۳۷۸.
۵۲. *اسناد وزارت امورخارجه ایران*، سال ۱۳۲۲ش، کارتن ۳۴، پرونده ۸، نامه ملک‌منصور و محمدحسین قشقای به وزارت امورخارجه، ۷ سپتامبر ۱۹۴۳.
۵۳. پیشین، نامه وزارت امورخارجه به نخست‌وزیری و وزارت جنگ، ۱۳۲۲/۸/۳۰.
۵۴. پیشین، نامه نخست‌وزیری به وزارت امورخارجه، ۱۳۲۲/۱۰/۱۳.
۵۵. پیشین، نامه وزارت جنگ به وزارت امورخارجه، ۱۳۲۲/۹/۲۶.

۱۵۶ / فصلنامه تاریخ روابط خارجی ، شماره ۱۸

۵۶. پیشین. نامه وزارت امور خارجه به سفارت انگلستان، ۱۳۲۲/۱۰/۲۴.

۵۷. مصاحبه با ملک منصور قشقای، اردیبهشت ۱۳۸۲.

۵۸. پیشین.

۵۹. شولتسه هولتوس، پیشین، ص ۲۲۳-۴۹.

۶۰. مصاحبه با ملک منصور قشقای، اردیبهشت ۱۳۸۲.

۶۱. پیشین.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی